

چیستی صهیونیسم

صهیون در زبان عبری به معنای پر آفتاب و نیز نام کوهی در جنوب غربی بیت المقدس است. کوه صهیون، زلدگاه و آرامگاه داود پیامبر و جایگاه سلیمان بود.

در متون دینی یهود، واژه صهیون اشاره به آرمان و آرزوی ملت یهود برای بازگشت به سرزمین داود (ع) و سلیمان (ع) و تجدید دولت یهود دارد. به دیگر سخن، صهیون برای یهود، سمبل رهایی از ظلم، تشکیل حکومت مستقل و فرمانروایی بر جهان است و از این رو یهودیان خود را فرزند صهیون می نامند.

صهیونیسم به جنبشی گفته می شود که خواهان مهاجرت و بازگشت یهودیان به سرزمین فلسطین و تشکیل دولت یهود است.

صهیونیسم همانند شوونیسم (ناسیونالیسم افراطی) است که با خوار شمردن ملت ها و نژادهای دیگر و با غلو در برتری خود، در پی دست یابی به قدرت سیاسی است. این جنبش در نیمه اول قرن ۱۳ شمسی/نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی در اروپا، پا به عرصه حیات گذاشت؛ ولی واژه صهیونیسم، نخستین بار توسط تئودور هرتصل به کار رفت و سپس ناحوم ساکولو مورخ صهیونیست در کتاب «تاریخ صهیونیست» از آن سخن گفت.

صهیونیسم، تنها دارای ابعاد ومعانی سیاسی (صهیونیسم سیاسی) نیست؛ بلکه ابعاد ومعانی دیگری همچون صهیونیسم کارگری، فرهنگی، دموکراتیک، رادیکال و توسعه طلب را نیز در بر می گیرد. مشهورترین تقسیم بندی صهیونیسم، طبقه بندی آن به دو بخش سیاسی و فرهنگی (دینی) است.

صهیونیسم سیاسی، خواهان بازگشت یهودیان به فلسطین است که با تدوین کتاب «دولت یهود» توسط هرتصل در ۱۸۹۴ م. زاده شد. اما صهیونیسم فرهنگی، مخالف مهاجرت یهودیان در قرن ۲۰ میلادی به فلسطین است؛ زیرا در انتظار انسان رهایی بخش در آخرالزمان نشسته است که یهودیان و تمام ادیان ابراهیم (ع) و موسی (ع) را به سرزمین نجات بازگرداند.

صهیونیسم به دینی و غیر دینی نیز تقسیم می شود؛ صهیونیسم دینی، اندیشه ای است که اعتقاد به بازگشت به سرزمین موعود را دارد. این بازگشت در زمانی که پروردگار مشخص کرده و به شیوه ای که او تعیین می کند انجام خواهد گرفت و این کار به دست بشر امکان پذیر نیست.

پیروان این اندیشه، گروهی یهودی (صهیونیسم) و شماری عیسوی (صهیونیسم مسیحی) هستند. در مقابل، در صهیونیسم دینی و غیر دینی، کسانی جای دارند که با تکیه بر استدلالهای تاریخی و سیاسی و علمی به اسکان یهودیان در فلسطین مشروعیت می بخشند. این همان صهیونیسم لائیک (غیر دینی) است که تنها مفاهیم سیاسی خویش را به زبان دین بیان می کند. بنابراین صهیونیسم همواره به معنای یهودیت نیست؛ بلکه گاه به مفهوم حرکتی برای غیر یهودی کردن یهودیت نیز به کار می رود.

یهود آزاری :

صهیونیست ها مدعی اند که صهیونیسم پاسخی به یهود آزاری است. به عقیده آنان، دولت ها و ملت ها به بیماری علاج ناپذیر یهود ستیزی دچار شده اند. بنابراین یهودیان را در هر کجا که باشند، عنصر بیگانه به شمار می آورند و

آنان را در آشکار و پنهان آزار می دهند. حیم وایزمن در این باره می گوید: «ضدیت با یهود میکروبی است که هر غیر یهودی هر کجا باشد و هر چند که خود منکر باشد بدان آلوده است.» و به بیان دیگر آنها تنها راه چاره را در پناه یک دولت یهودی می دانند .

صهیونیست ها، به نمونه های بسیار از یهودآزاری در طول تاریخ اشاره می کنند. از نظر آنان یهودآزاری با شکست دولت یهودی اسرائیل و جهودا به ترتیب در ۷۲۱ و ۵۸۶ ق.م. توسط آشوریان و بابلیان آغاز و در نتیجه با پراکنده شدن یهودیان به نقاط دیگر جهان ادامه یافت و روند رو به رشدی به خود گرفت؛ به گونه ای که اوج آن در آلمان هیتلری به چشم می خورد. در این دوره طولانی یهودیان در امپراطوری روم ، کشور لهستان، روسیه تزاری و ... بارها سرکوب و شکنجه شدند و تنها در سال ۱۳۹۱م. هفتاد هزار نفر به دلیل نپذیرفتن دین مسیحیت در اسپانیا جان خود را از دست دادند. افزون بر آن یهودیان همواره از حق مالکیت در برخی از مناطق جهان و نیز اشتغال در برخی از حرفه ها محروم بوده و اغلب در «گتو» ها به سر برده اند .

البته این ادعاهای صهیونیسم به هیچ وجه قابل اثبات نیست زیرا برخی از نمونه های یهودآزاری در تاریخ بیش از حد بزرگ شده اند. صهیونیستها در این مورد با سلطه ای که بر ابزارهای تبلیغی جهان وبه کارگیری آن دارند، به مظلوم نمایی پرداخته اند. و نیز برخی از این قصه ها، ساخته و پرداخته یهودیان و صهیونیست ها است. هدف از این دروغ پردازی ها این بود که به روند مهاجرت یهودیان به فلسطین و تاسیس یک دولت یهودی شتاب بخشند . شواهد دیگری بر نادرستی ادعاهای صهیونیسم در این باره وجود دارد که عبارتست از :

۱. مهاجرت و پراکندگی یهودیان که اغلب به دلخواه آنان و با هدف اقتصادی، به سوی پررونق ترین سرزمین ها صورت گرفته است .
۲. یهودیان همواره در پهنه ای گسترده از خاک امپراطوری عثمانی، در صلح و آرامش می زیسته اند.
۳. یهودیان دربریتانیا، فرانسه و آلمان قرون وسطی، تحت آزار نبوده اند و حتی پس از عصر نوزایی، وضع اجتماعی آنان بهبود یافت.
۴. رنج و دردی که میلیونها برده آفریقایی سیاه پوست، در انتقال و اسکان اجباری غرب متحمل شدند، بیش از درد و رنجی است که بر یهودیان وارد آمده است. جالب این که صاحبان برخی از کشتی های حامل بردگان، سوداگران و بانکداران یهودی بوده اند.
۵. وقوع یهود آزاری را در حد پایینی می توان پذیرفت که آن هم به ویژگی های فردی و اجتماعی یهودیان، مانند جمع گریزی و اشتغال در مشاغل غیر مولد، چون رباخواری بازمی گردد و نیز ریشه در منازعه دائمی کلیسا و کنیسه دارد. به هر روی نقش یهود آزاری ساختگی در تولد صهیونیسم، آن چنان بزرگ بود که هر تامل آن را موهبت الهی نامید. اگر صهیونیسم محصول یهودآزاری است، پس چرا صهیونیسم به نوعی یهودآزاری از طریق تبعیض بین یهودیان سفاردی و اشکنازی مبدل شده است؛ سوالی که صهیونیست ها همچنان آن را بی پاسخ گذاشته اند.

سرمایه داری غرب و پیدایش صهیونیسم

صهیونیسم مولد دوران تحول و انتقال سرمایه داری غرب به مرحله امپریالیسم نیز به شمار می رود. در این دوره همه

قدرت های بزرگ ، برای تامین منافع استعماری ، فعالانه در پی یافتن جای پای محکم در خاورمیانه شدند. برای دستیابی به این هدف ، نخستین بار ناپلئون بناپارت (امپراتور فرانسه)، به جلب همکاری یهودیان علیه امپراتوری عثمانی دست زد که البته در این کار توفیقی به دست نیاورد؛ سپس بیسمارک (صدر اعظم سابق آلمان) برای پاسداری از خط راه آهنی که قرار بود از برن در آلمان به بغداد کشیده شود اقدام به جذب و به کارگیری یهودیان کرد اما سرانجام این انگلیس بود که به آرزوی دیرینه اش، یعنی خلق اندیشه صهیونیسم و ترغیب یهودیان اروپای شرقی، روسیه و غرب، برای مهاجرت به فلسطین و تشکیل یک دولت یهودی که حافظ منافع آن کشور باشد، دست یافت. دلایل بسیاری در تایید نقش قدرت های بزرگ استعماری در به ویژه انگلیس در پدید آمدن صهیونیسم و رژیم اشغالگر قدس در دست است .

در ۱۲۱۹ش./۱۸۴۰ م. روزنامه تایمز لندن اعتراف کرد که پیشنهاد استقرار یهودیان در فلسطین مورد حمایت پنج قدرت بزرگ جهانی است؛ سپس هر متصل چنین فاش کرد: «بازگشت به سرزمین پدرانمان از بزرگترین مسائل سیاسی مورد علاقه قدرت هایی است که در آسیا چیزی می جویند .»

به بیان دیگر پس از یک منازعه طولانی میان صهیونیست ها سرانجام صهیونیست های انگلوفیل جناح وابسته به وایزمن، موفق به تثبیت فلسطین مکان مورد نظر انگلیس به عنوان جایگاه نهایی یهودیان گشتند. یهودیان تنها نامزد تشکیل دولتی حافظ منافع غرب، در منطقه حساس و استراتژیک خاورمیانه بودند؛ هر متصل نیز معتقد بود که یهودیان می توانند حلال مشکل غرب در خاورمیانه باشند. به هر حال صهیونیست ها خود را مشعل دار تمدن غرب می دانند؛ تمدنی که در تلاش است تا دموکراسی را در خاورمیانه و قلب آن حاکم کند . نتیجه این که نیازهای فرهنگی ، سیاسی و اقتصادی و نظامی غرب ، به ویژه انگلیس ، موجب پدید آمدن جریان فکری صهیونیسم و اسکان یهودیان در فلسطین گردید؛ جریانی که با غیر دینی (سیاسی) جلوه دادن یهودیت ، در پی منافع استعماری در خاورمیانه برآمد؛ در حالی که یهودیان دین دار ممکن بود برای غرب خطر آفرین باشد .

بورژوازی یهود

از اواخر قرن دهم شمسی / شانزدهم میلادی، یهودیان سفاردی از اسپانیا و پرتقال طرد شدند و در کشورهای عثمانی، هلند و فرانسه سکونت گزیدند. آنان به دلیل مهارت در بانکداری و با بهره مندی از روابط تنگاتنگی که با سفاردی های عثمانی داشتند، به آسانی به عرصه تجارت جهانی وارد شدند و بدین سان نخستین گام در شکل دهی به بورژوازی یهود برداشتند. در قرن یازدهم شمسی / هجدهم میلادی نیز با ارتقای وضع اجتماعی اروپاییان ، موقعیت یهودیان ، به ویژه در عرصه اقتصادی بهبود یافت. این امر منجر به تلاش بیشتر برخی از یهودیان برای رهایی از نظام گتو و ادغام در جوامع غربی و روی آوردن به مشاغل مولد و در نتیجه، گسترش و تثبیت قشر بورژوازی یهود گردید. بورژوازی یهود، به صورت های گوناگون، در پدید آوردن صهیونیسم موثر افتاد.

مهمترین اهداف پیدایش صهیونیسم عبارتند از :

۱. بورژوازی یهود، همگام و همراه با رشد و تکامل سرمایه داری غرب و همانند آن ، همه جهان را بازار مصرف خود می پندارد. در آن زمان هر چند امپراطوری عثمانی از ضعف اقتصادی رنج می برد، اما به

دست آوردن بازار داخلی آن به سادگی امکان پذیر نبود و این امکان، با مهاجرت بیشتر یهودیان به عثمانی سرزمینی که از نیروی کار ارزان عرب بهره مند بود فراهم می آمد. افزون بر این، چنین اقدامی یهودیان غیر فعال اقتصادی و بی علاقه به سرمایه گذاری را به عناصر فعال اقتصادی، در امپراطوری عثمانی تبدیل می کرد و یهودیان باقی مانده در غرب را نیز به سوی فعالیت های اقتصادی و سودآور سوق می داد.

۲. سرمایه داری یهود، برای جلوگیری از افزایش تقاضای مالی یهودیان فقیر که به کاهش ثروت آنان می انجامید، خواهان طرد آنها بودند؛ از این رو، با تشکیل دولت اسرائیل اداره دولت یهودی را در دست گرفتند. بنابراین بورژوازی یهود، هم در راندن یهودیان از اروپا و هم در اداره کردن آنها در فلسطین اشغالی، نقش اساسی داشته است.

۳. بورژوازی یهود در آغاز، خواهان مهاجرت یهودیان به فلسطین نبود؛ بلکه به اعتراف حیم وایزمن، اوگاندا بیشتر مورد علاقه بازرگانان یهودی بود. در مرحله بعد نیز بورژوازی یهود در پی مهاجرت همه یهودیان به فلسطین نبود، بلکه خواهان آن بود که شمار یهودیان به اندازه ای کاهش یابد که به رفاه اقتصادی آنان در غرب لطمه ای وارد نسازد. ناحوم ساکولو در این باره اعتراف می کند که صهیونیسم نه به عنوان یک نهضت، بلکه به عنوان یک اقدام مالی و سرمایه داری ظهور کرده است؛ البته یافتن مکانی برای خوشگذرانی و نیز دست یابی به کنترل مجدد یهودیان، از دیگر هدف های بورژوازی یهود در خلق صهیونیسم شمرده شده است.

صهیونیسم ادبی سیاسی

پیش از تولد صیونیسم سیاسی، صهیونیسم ادبی پدید آمد و نخستین جرقه های سیاسی کردن دین یهود را برافروخت. به دیگر سخن، صهیونیسم، نخست در عرصه زبان، گفتار و اندیشه و آنگاه در عرصه سیاست قد برافراشت. در این روند صهیونیسم ادبی، زبان عبری را به خدمت گرفت و در گسترش آن کوشید و یهودیان عبری زبان را تشویق کرد و پاداش داد. به دنبال این تلاش چند صد ساله، زبان عبری که به گفته بن گوریون، یک زبان ناگویا بود و در قلب ها می زیست و به نماز و شعر و ادبیات مذهبی اختصاص داشت، به جایگاهی دست یافت که دیگر تنها زبان زمان گذشته نبود، بلکه زبان آینده، زبان رستاخیز و زبانی بود که می توانست یهودیان را به عنوان یک ملت یگانه در زیر بیرق خویش درآورد.

در عرصه قلم، اندیشه، هنر، داستان، رمان نمایش های بسیاری پدید آمد که به ایفای نقش در تولد صهیونیسم پرداختند که در بین آنها اشعار مذهبی بن هاله وی (متوفای ۱۹۵۱ش./۱۱۴۰م.) به سود مقاصد صهیونیستی بها کار رفت. کتاب «تلمود» اندیشه بازگشت به ارض موعود را رواج داد. بنجامین دزرائیلی در رمان «دیوید آلروی» شکلی از نژاد پرستی افراطی یهودی را به تصویر کشید. زیگموند فروید بر لزوم اجرای تربیت صیونیستی تاکید ورزید. جورج الیوت در رمان «دانیل دروندا» که مهم ترین سند ادبی صهیونیسم به شمار می رود، ناممکن بودن اقدام یهودیان در تمدن های دیگر را گوشزد کرد. افزون بر این تلاش ها، نگارش «دایره

المعارف صهیونیسم و اسرائیل» به سهم خویش، زمینه ساز صدور اعلامیه فوری گردید که آن نیز در پدید آمدن صهیونیسم دخیل بوده اند. مهم ترین این افسانه ها ، افسانه «یهودی سرگردان» یا یهودی دوره گرد است. این افسانه برای نمایاندن زندگی سراسر آمیخته با رنج ، محنت ، سرگردانی و بی پناهی یهودیان به کار رفت و به تدریج زمینه ذهنی ضرورت تلاش برای رهایی یهودیان صهیونیست را در اواخر قرن دوازدهم شمسی/نوزدهم میلادی فراهم آورد.

ادبیات صهیونیستی تنها به ترسیم چهره یهودی یا یهودیان ناراضی نپرداخته ، بلکه کوشیده است ، چهره ای نیک وانسانی از یهودیان به دست دهد، تا آنان راه کسی امتیازات اجتماعی بیشتری را بازباند و آن را برای ظهور صهیونیسم به کار گیرند .

در مجموع ادبیات صهیونیستی کوشیده است ، تا با رواج همبستگی یهودیان جهان، مبارزه با تبلیغات ضد صهیونیستی ، رنج و ستم دیدگی یهودیت را به تصویر کشد و به پندار خود ، وحشی گری اعراب علیه یهودیت را نمایان سازد و به ترویج اندیشه برتری قوم یهود پردازد.